

به نام خدا

سقوط
مردی
از
آسمان
به چه
معناست؟

لسلی نکا آریما
سید حسن رضوی

انتزاعی ترنگ

فهرست



- آینده روشن به نظر می‌رسد ۸
- داستان جنگ ۱۵
- وحشی ۲۷
- زور ۵۵
- فرمان دوباره ۶۴
- بادآورده ۷۱
- چه کسی در خانه به ادعیات می‌آید ۸۹
- دختران بوجی ۱۱۳
- سقوط مردی از آسمان به چه معناست؟ ۱۱۱
- گلوری ۱۵۹
- آتشفشان چیست؟ ۱۸۱
- رستگاری ۱۹۲

درآمد



اتناقی موسابند است که مجموعه داستانی از لسلی نکا آریما نویسنده‌ی نیجریه‌ای به بررسی ترجمه شده و در اختیار دوستداران ادبیات داستانی قرار می‌گیرد.

روایت‌هایی صادقانه، صریح بی‌پرده که تصاویری حیرت‌بار از زندگی مردم حاشیه را به دست می‌دهد. گاه قهرمان قصه خود نویسنده است، حضور یک زن آفریقایی در قلب تمدن آمریکا، تضاد بین کودکی کنده شده از جهانی که آدم‌ها هیچ درکی از حقوق فردی خود ندارند به قلب جهانی که بر مدار آزادی‌های فردی می‌گردد با مادیست‌ها به سنت‌های خود، نویسنده استادانه این رودرویی بین نسل‌ها را تبدیل به رودرویی فرهنگی و جوامع می‌کند و با زبانی شیرین و گرم خواننده را همراه خود می‌برد. گاه روایت کودکانه را بستر قصه می‌سازد که در آن با لطافت تمام آثار معتبر ادبی جهان را به چالش می‌کشد و خود را هم‌تراز آثار مهمی چون بچه‌های کوچک این قرن^۱ اثر کریستین روشفور^۲ و زندگی در پیش‌رو^۳ اثر رومن گاری^۴ یا کمدی انسانی^۵ ویلیام سارویان^۶ نشان می‌دهد.

1. Les Petits Enfants

2. Chris Fain Rochefort

3. La Vie Devant Soi

4. Romain Gary

5. The Human Comedy

6. William Saroyan

کاراکترهای او در این قصه‌ها از میان فرودستان جامعه برآمده‌اند، خانواده‌های فقیر، بدون چشم‌انداز روشن آینده و سرخوردگانی که فرزندان‌شان به‌جای درس و مدرسه و تفریح به دله‌دزدی، چاقو‌کشی، جیب‌بری و کارهای خلاف می‌پردازند و نویسندگان با استادی به ترسیم چهره‌های این‌گونه افراد می‌پردازد. او که به‌خوبی لایه‌های اجتماعی نیجریه و از آن‌سو مهاجران آفریقایی تبار را می‌شناسد با استادی قهرمانان یا ضد قهرمانان خود را بر می‌کشد و خواننده را به‌اجبار وامی‌دارد با این زنان و مردان حاشیه‌نشین هم‌ذات‌پنداری یا حداقل همدردی کند.

آریما به شک استعدادی شگفت‌انگیز در زمینه‌ی داستان‌نویسی است، او موجز، محکم و به همان زبان شگفت‌گفتاری، قهرمانان خود را وامی‌دارد که تک‌گویی کنند یا از زبان سوم شخص، درونیات آدم‌ها را برملا و روی دایره می‌ریزد.

تصویری که او در قصه‌هایش به دست می‌دهد، تصویری برآمده از فقر، عقب‌افتادگی و ناآگاهی است، سرنوشت آدم‌ها سرنوشتی محتوم و از پیش رقم‌خورده در چنین شرایطی می‌شود، طبعی است که از دل این داستان‌ها مدیر موفق، دانشمند، آدم تحصیل‌کرده و خوشبخت سرنمی‌آورد.

در داستان «آینده روشن به نظر می‌آید» در چند عطا به نوشتن نهایی قهرمان جوان قصه را رقم می‌زند: «وقتی پسر پانزده ساله می‌شود و از بازار برمی‌گردد و می‌بیند وسایلش را در دو کیسه‌ی پلاستیکی جلوی در گذاشته‌اند، حتی در نمی‌زند که بپرسد چرا؟ یا کجا باید برود، بلکه با پسرهای بی‌مادر دیگر در یک خانه‌ی نیم‌ساخته‌ی متروک هم‌خانه می‌شود؛ جایی که بهترین پیراهن‌هایش را می‌دزدند و او می‌آموزد که همیشه پولش را در جیبش نگه دارد. گدایی می‌کند، آهن قراضه

می‌فروشد، دزدی می‌کند و سومین کار آن قدر برای او آسان است که تبدیل به روش زندگی‌اش می‌شود.»

آیا این تصویری آشنا نیست، در تمام روزهای ماه و سال، همه شاهد کودکان کار، دست‌فروشان، تکدی‌گران، گل‌فروشان سر چهارراه‌ها و شیشه‌پاک‌کن‌ها هستیم که به یادمان می‌آورد غایت کار این کودکان و نوجوانان جز تباهی و سقوط، به دامان اعتیاد افتادن یا دزدی و قتل و زندان نیست.

این نویسنده‌ی جوان آفریقایی داستان‌هایی ساده، روان و بسیار گرم نوشته است. بی‌شک چاپ اولین مجموعه داستان این نویسنده‌ی ساکن مینی‌آپولیس آمریکا، صستی مغتنم برای شناخت ادبیات مهاجرین آفریقا است، به همین خاطر شما را به ضیافت قصه‌های جذاب، پرکشش، پر نکته و بسیار تکان‌دهنده‌ی آریما دعوت می‌کنم. بخوانید و لذت ببرید.

فرید مرادی

۱۳۹۷/۰۸/۱۹

تهران